

• ازدواج

ازدواج تنها راه مشروع و سالم تشکیل خانواده است. همه مکاتب و ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام، ازدواج و تشکیل خانواده را توصیه نموده اند. ازدواج به زن و مرد آرامش می بخشد و آنان را از انحراف و رفتارهای جنسی پرخطر و غیر اخلاقی باز می دارد.

• معیارهای یک ازدواج موفق چیست ؟

انتخاب همسر از مهمترین تصمیمات فرد در زندگی است، زیرا می تواند آینده فرد را رقم بزند. تشکیل خانواده سالم، متعادل و پایدار مانند هر امر مهم دیگری به تفکر منطقی و تلاش و کوشش نیازمند است. جوان می بایستی بر اساس معیارهای اصولی، منطقی همسر آینده خود را شناسایی و انتخاب نماید و آنگاه به انجام پیوند زناشویی اقدام کند. بصورت کلی اصالت خانوادگی به عنوان اساسی ترین معیار انتخاب همسر شناخته می شود. ایمان، اخلاق نیکو و روان سالم، و تناسب زوجین در ویژگیهای ظاهری، سنی، تحصیلی، فرهنگی، تربیتی و اعتقادی از موارد اساسی در انتخاب همسر است

• در زیر به چند عامل برای یک ازدواج موفق اشاره می شود:

- اصل کفویت

آنچه که در اسلام با عنوان "کفو بودن" بدان اشاره شده در واقع شباهت و همشأن بودن زن و مرد در جنبه های متفاوت شخصیتی، روانی، فرهنگی، علمی، سن و ... است. به عنوان مثال تحصیلات مشابه مسبب همگونی است. زیرا تحصیلات نزدیک به هم، گاه نتیجه تشابه درجه هوش افراد است. از طرفی تفاوت در سطح تحصیلات، تفاوت های عمده ای در جهان بینی و نگرش افراد ایجاد می کند. آیا فردی که تحصیلات دانشگاهی مثلاً در مقطع لیسانس را تجربه کرده و افکار و عقایدش به طرز خاصی که منطبق با محیط و فضای خاص تحقیقاتی دانشگاهی است شکل گرفته و آموخته است افکار انتزاعی خود را در برخوردها فعال نگهدارد و برای هر چیز دلیلی بطلبد، با فردی که دارای بهره هوشی طبیعی و دارای تحصیلات مثلاً در مقطع ابتدایی است یکسان خواهد بود؟ آیا رفتارها، نحوه سخن گفتن، نشست و برخاست، معاشرت های اجتماعی، توانائی های متفاوت و مهارت های لازم برای یک زندگی مشترک موفق، تحت تأثیر مستقیم آموزش های ناشی از میزان تحصیلات نیست؟

- طرز فکر یکسان

در بین دو طرف، یکی از عوامل مؤثر رسیدن به زندگی متعادل و منطقی، طرز فکر یکسان است. طرز فکر و اندیشه افراد از نوع فرهنگ، سطح تحصیلات و سن افراد تأثیر می پذیرد. مشابه بودن در نوع تفکر، و به عبارتی کفو فکری، همسطح بودن و یکسانی در نوع جهان بینی و فهم و ادراک زن و مرد نسبت به مسائل

مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و کمک می کند تا شیوه تفکر افراد که مسلماً در مراحل مختلف زمانی به صورت های گوناگونی می اندیشند، همگام و همسو تحول یابد. افکار یکسان و به یک جهت نگرستن کمک می کند تا طرفین بتوانند از دریچه چشم دیگری به دنیا بنگرند و مسائل گوناگون را تحلیل کنند. طبیعتاً دیدگاه مشترک و نسل مشترک، به همراه فرهنگ مشترک پایه های استواری برای کوچکترین و مستحکمترین نهاد اجتماعی بشر (خانواده) خواهد بود.

- داشتن نیت و اراده برای تشکیل خانواده

هر یک از زوجین باید با دید باز و با رضایت خود اقدام به تشکیل خانواده نمایند. ازدواج نباید به عنوان راه حلی برای دوری از مشکلات خانوادگی جوان در خانواده در نظر گرفته شود، بلکه ازدواج زمانی موفق خواهد بود که با هدف تشکیل خانواده و تعالی روحی زوجین در نظر گرفته شود. با وجودیکه والدین در راهنمایی جوانان در انتخاب همسر نقش تعیین کننده ای دارند، این نقش باید به صورت مشاوره ای باشد و نباید بصورت تحمیلی و سلب اختیار جوان در تعیین شریک زندگی آینده اش باشد.

- سن مناسب و اختلاف سنی مناسب برای ازدواج

همانگونه که گفته شد، برای موفقیت در ازدواج، رعایت سن مناسب ازدواج بسیار مهم است. اگر اختلاف سن خیلی زیاد باشد و جوانی با فردی میانسال ازدواج کند، اختلاف سن، از آن جهت که مسبب اختلاط در جهان بینی و نحوه نگرش به زندگی، خویشتن و دیگران است، توقعات و انتظارات را به شیوه ای دیگر شکل می بخشد. پس کفو بودن در سن، و تفاوت 2 تا 6 ساله (یعنی مرد بزرگتر باشد)، یکی از عوامل مؤثر رسیدن به زندگی متعادل و منطقی خواهد بود. متخصصان سن مناسب ازدواج را برای دختران 18 تا 24 سال و برای پسران 24 تا 28 سال توصیه می کنند.

- معنویات

دین داری، تقویت معنویات و توجه به دستورات مذهبی که به زیبایی در دین مبین اسلام و سایر ادیان الهی به آن پرداخته شده است، همچون چراغی روشن در راه تعالی بشریت است. زوجین باید به تقویت معنویات در یکدیگر یاری رسانند و در این صورت است که عطر و طراوت ایمان، فضای خانوادگیشان را صفا می بخشد. یکی از ملاک های بسیار مهم در امر ازدواج، دین داری است. دختران و پسران باید به این معیار، توجه کافی داشته باشند و به راحتی از آن نگذرند، زیرا اگر همسری واقعاً دین دار باشد، خودبه خود همه

ملاک ها و ارزش های دیگر همانند راست گویی، خوش خلقی، امانت داری و دیگر معیارها را در خود خواهد داشت: «چون که صد آید، نود هم پیش ماست».

امامان نیز بر ایمان و دین داری همسر و تقید و التزام عملی به آن، تأکید کرده اند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه مردی همسر را تنها به خاطر زیبایی و ثروتش انتخاب کند، خداوند او را به همان زیبایی و ثروت وامی گذارد و هرگاه همسرش را به خاطر دیانتش انتخاب کند، خداوند مال و جمال را نیز به او می دهد.»

- مسئولیت پذیری و پاسخگویی به نیازهای جسمی و روحی همسر

زوجین باید متوجه باشند که با تشکیل خانواده، نقشهای جدیدی برای آنان بوجود می آید که می بایستی در مقابل آن مسئولیت پذیر باشند. زن و مرد متأهل نسبت به یکدیگر متعهد هستند و می بایستی با تمام وجود سعی در ایفای وظایف نمایند. یکی از اساسی ترین پایه های موفقیت یک زندگی زناشویی، شناخت دقیق نیازهای جسمی، روحی و عاطفی همسر و تلاش مستمر و دائم در پاسخ به این نیازهاست. زوجین می بایستی در این جهت به یکدیگر کمک رسانند و مشوق و همکار یکدیگر باشند. همچنین لازم است تا از توقعات خارج از توانایی همسر اجتناب گردد. به عبارت دیگر زوجین باید تلاش کنند تا در کنار یکدیگر باشند و نه در مقابل هم. علاوه بر این، هر یک از زوجین می بایستی مسئولیت تنظیم خانواده را بپذیرند و تعداد فرزندان و فاصله مناسب تولد آنان را رعایت نمایند

- منبع درآمد و شغل مناسب

برای یک ازدواج موفق و زندگی سعادتمند، مسأله شغل می بایستی جدی گرفته شود. با داشتن کار و شغل، عشق و محبت زوجین در منزل رونق و تداوم می یابد. با وجودیکه داشتن شغل و درآمد لازمه خوشبختی خانواده است، باید توجه داشت که امکانات مالی به تنهایی نمی تواند حل کننده همه مشکلات یک خانواده و متضمن خوشبختی باشد و اهمیت آن تنها بایستی در کنار سایر عوامل ارزیابی شود

- انعطاف پذیری

انعطاف پذیری یک ویژگی خیلی خوب است که اگر همه بتوانیم در خود ایجاد کنیم صاحب پیشرفت های ارزشمندی شویم. لجاجت و یک دنده نباشیم، بدون انعطاف پذیری نمی شود خلاق بود. نمونه هایی وجود دارد

که افراد انعطاف پذیر در شرایط بسیار دشوار، آنچنان خود را وفق دادند که موجب تعجب همگان شد! به طور حتم نقطه مقابل آن که آفت زندگی محسوب می شود یک دندگی، لجبازی و کله شقی است.

- مراجعه به روانشناس

حتما با مراجعه به روانشناس و انجام تست های تعیین شخصیت قبل از ازدواج به از سلامت شخصیتی خود و همسران مطمئن شوید. تعداد زیادی از زوجین که کار آنها به طلاق می انجامد با کسانی که نشانه های مخفی عارضه اختلال شخصیت دارند زندگی می کنند، این گروه آرام هستند ولی خوشحال نیستند. درخصوص افرادی که تازه ازدواج کرده اند یا به تازگی متوجه مشکل شخصیتی همسر خود شده اند، به آنها توصیه می کنم از روش های انطباقی و سازشکارانه استفاده کنند.

• هفت خوان ازدواج

1) قدم اول این است که خودتان را درست بشناسید و مطمئن باشید که واقعا تصمیم دارید ازدواج کنید یا نه و اگر پاسخ مثبت است به چه دلیل؟ بخاطر پول؟ ظاهر طرف مقابل؟ شخصیتش؟ یا صرفا برای اینکه از خانه پدری فرار کنید؟ کسی که خودشناسی می کند، برای زندگی خودش هدف قایل می شود، برنامه ریزی می کند، آرزوهایش را روی کاغذ می آورد و جاهای خالی زندگی اش را شناسایی می کند.

2) مرحله دوم این است که همسر آینده تان را بر اساس خواسته ها و موقعیت فعلی خود تصور کنید. تصور کردن همسر ایده آل با توجه به آرزوهایتان نسبتا راحت است. همیشه از خودتان این سوال را پرسید: آیا من برای شخصی که به عنوان همسر ایده آل خودم تصور کرده ام، همسر ایده آلی هستم؟ خیلی ساده است. هر ترازویی دو کفه دارد. اگر می خواهید کفه طرف مقابلتان سنگین باشد، ابتدا باید کفه طرف خودتان را سنگین کنید. کسی که می خواهد با یک فرد تحصیل کرده هنردوست ازدواج کند، بهتر است خود نیز تحصیل کرده و هنر دوست باشد.

3) در مرحله سوم باید یکسری معیارهای غربالگری اولیه برای همسریابی انتخاب کرده و آنها را آزمایش کنید. رایجترین معیارهایی که برای این منظور به کار می روند عبارتند از: تفاوت سن، تفاوت قد، تفاوت ظاهر، تفاوت تحصیلات، تفاوت طبقاتی، تفاوت قومی، تفاوت زبانی و در نهایت تفاوت دینی. نکته مهم این است: این شما هستید که تعیین می کنید یک ویژگی برایتان مهم است یا خیر.

4) مرحله چهارم عبارتست از دیدن و دیده شدن برای ایجاد جاذبه اولیه. در کشورهای که محیط های مختلط کمتر است، پسرها ممکن است به کمک مادر و خواهرانشان برای پیدا کردن همسر مناسب متوسل شوند. ولی متأسفانه چنین امکانی برای اکثر خانمهای جوان کمتر وجود دارد. به همین دلیل توصیه من این است که محیط کار، تحصیل یا تفریح خود را به گونه ای انتخاب کنید که حداکثر احتمال ممکن را برای دیده شدن توسط همسر احتمالی آینده تان به شما بدهد. به عنوان مثال کسی که می خواهد با یک موسیقیدان ازدواج کند، یا در کلاسهای متعدد موسیقی شرکت می کند یا عضو انجمنی می شود که موسیقی دانان معمولاً عضو آن می شوند.

5) مرحله بعد خواستگاری کردن از فرد مورد نظر است. در بسیاری از جوامع (چه شرقی و چه غربی) معمولاً خواستگاری توسط جنس مرد صورت می گیرد و معمولاً یک زن نمی تواند از یک مرد تقاضای دوستی و یا ازدواج بکند وگرنه به سبکی متهم می شود. به هر حال، فراموش نکنید وقتی با کسی به قصد ازدواج دوست شدید یا از او خواستگاری کردید، فکرتان فقط مشغول ظواهر امر (مانند کافی شاپ رفتن و کادوهای رمانتیک دادن یا نحوه چای آوردن عروس خانم موقع خواستگاری و مراسم عروسی) نباشد. به اصل موضوع دقت کنید.

6) مرحله ششم که به نظر من مهمترین مرحله انتخاب همسر است، بردن نهایت استفاده از فرصتها برای شناخت بهتر همسر احتمالی تان از طریق برقراری ارتباط کلامی یا غیر کلامی می باشد. امروزه حتی خانواده های نسبتاً سنتی و مذهبی با حرف زدن و معاشرت زوجهای آینده در طول دوران نامزدی شان مخالفت چندانی ندارند. در طول این جلسات، از طرف مقابل خود باید سوال پرسید. سوالهای تعیین کننده. این سوالها از هر فرد به فرد دیگر فرق می کند

7) مرحله آخر جمع بندی وضعیت و گرفتن تصمیم مناسب است. در زندگی هر کسی حداقل یک فرد معتمد وجود دارد. نسبت آن شخص مهم نیست. عقل و تجربه اش مهم است. باهم صحبت کنید و مجموع شرایط را برایش بگویید و بخواهید وضعیت را از دید خودش ارزیابی کند. سعی کنید در ارایه مشاهدات و شنیده هایتان منصف باشید و به اصطلاح سانسور نکنید. بعد با خودتان خلوت کنید. تمام نظرات و تفکرات را کنار هم بچینید و جنبه های مثبت و منفی ازدواج با این فرد را کنار هم مقایسه کنید. آیا جنبه های مثبت به جنبه های منفی می چربند؟ آیا چیزی در نکات منفی هست که خیلی برا یتان مهم باشد و بخاطرش بخواهید از طرف بگذرید؟ ممکن است چیزهایی را که شنیدید قبول نداشته باشید که ایرادی ندارد. هر کسی نظر خودش را دارد، ولی در نهایت این زندگی شماست. تصمیم آخر را خودتان بگیرید و آن را به پدر و مادرتان اعلام کنید.

• والدین و حق انتخاب

اشاره کردیم ازدواج شخصی ترین موضوع در زندگی است. خوب است والدین نیز حق انتخاب را به جوانان بدهند. حتی که با نظارت بزرگسالان معنی پیدا می کند. جوانان نیز بد نیست بدانند تجربیات بزرگترها در امر ازدواج بسیار بیش از آنچه تصور می کنند می تواند راهگشا و راهنمای آنان باشد. تعدیل و تعادل، رمز موفقیت هر کار است. همانطور که ازدواجهای اجباری که با زور و اعمال فشار والدین بر دختر یا پسر تحمیل می شود پیوند موفق نیست، خودسری، یکجانبه تصمیم گرفتن جوانان و مقابله با تجربیات مفید و سودمند بزرگترها نیز برای اثبات خود، راه به جایی نخواهد برد. تا فرصت هست از تجربیات و توانایی های والدین استفاده کنید تا بعدها افسوس فرصت هایی که برای سود جستن از نظریات آنها را داشتید و استفاده نکردید بر شما مستولی نشود. اگر عقاید بزرگترهای خود را نمی پذیرید خودتان دست به کار شده و تحقیق کنید. بیایید خانواده های موفق و ناموفق را شناسایی کنید. از آنها که موفق بوده اند معیارها و شیوه ازدواج را جویا شوید و از خانواده های مُطلَّقه به عنوان زوجهای شکست خورده علت جدایی را جویا شوید. دسته سوم هم وجود دارد. می توان از مطلقه های عاطفی نیز (البته بدون وسواس) تحقیق کرد. زیرا خانواده های نابسامان و آشفته ای هم هستند که به دلایل مختلف مجبورند تا آخر عمر با ناراحتی با هم زندگی کنند. بد نیست جوانان ببینند این گروه چه معیاری برای ازدواج داشته اند که فعلاً مجبور به تحمل همدیگر هستند. سپس می توانند از تجربیات کسانی که موفقیت یا شکست آنها را به چشم دیده اند استفاده کرده و در جهت سعادت خود بهره جویند، که از قدیم الایام گفته اند: « انسان عاقل همه چیز را خود تجربه نمی کند، بلکه از تجربیات دیگران نیز استفاده می کند»

• مزایای ازدواج سالم و موفق چیست ؟

موفقیت در ازدواج تنها در تامین مادیات خلاصه نمی شود. تحقیقات گویای این مطلب هستند که تمام افراد خانواده در یک زندگی مشترک سالم سعادت مند و کامل از مزایای آن بهره مند خواهند شد همه ما می دانیم که خداوند به مزایای زندگی مشترک آگاه است و به همین دلیل بوده که زن ها و مرد ها را تشویق به ازدواج کرده و نتیجه این تحقیقات چیزی جز سخنان خداوند نیست.

مزایای ازدواج موفق برای کودکان و نوجوانان آن خانواده: تحقیقات نشان می دهد که کودکانی که در آغوش گرم خانواده بزرگ می شوند برتری های بیشتری نسبت به سایرین دارند.

مزایای ازدواج سالم برای خانم ها: تحقیقات نشان می دهد که خانم هایی که در یک ازدواج سالم هستند نسبت به خانم هایی که از ازدواج ناموفق هستند نسبت به خانم هایی که در ازدواج ناموفق هستند مزایای

بیشتری دارند از جمله:

- از ارتباط خود راضی هستند و از نظر احساسی و جسمانی سالم تر هستند
- از نظر مالی غنی تر هستند
- کمتر قربانی خشونت سو استفاده های جنسی و یا سایر جرم ها می شوند
- تلاش کمتری برای خودکشی انجام می دهند و از الکل و مواد مخدر استفاده نمی کنند
- زیر خط فقر به سر نمی برند
- با فرزندان خود ارتباط بهتری برقرار می کنند

مزایای ازدواج سالم برای مردها: تحقیقات مزایای بسیار زیادی را در مورد مردانی که در یک ازدواج

سالم هستند نسبت به سایر آقایان پیدا کرده است به نمونه زیر توجه کنید:

- عمر طولانی سلامت جسمانی تامین مالی اشتغال بلند مدت
- دستمزد بالا ریسک کمتر در روی آوردن به مواد مخدر مشروبات الکلی داشتن ارتباط بهتر با فرزندان
- احتمال کمتر به ارتکاب به جرم و جنایت. احتمال کمتر در خودکشی

مزایای ازدواج سالم برای اجتماع: زمانی که در جامعه درصد افرادی که در یک ازدواج سالم هستند

بیشتر شود مزایای بی شماری به همراه آنها با اجتماع وارد می شود.

- داشتن شهروندان سالم از نظر فیزیکی
- دارا بودن شهروندان سالم از نظر احساسی
- بالا رفتن درصد افراد تحصیلکرده
- کاهش خشونت های خانوادگی
- کاهش امار جرم و جنایت
- کاهش میان ارتکاب به جرم در نوجوانان و جوانان
- کاهش میزان مهاجرت

• سخن پایانی

همسر مقاوم و هدفداری که توانایی تطابق با شرایط جدید خود را داشته باشد یکی از موهبت های بزرگ الهی است. به هر حال برای انتخاب همسر می بایست بسیاری از نکات و معیارها را مد نظر داشت و رعایت کرد و با اطلاع کامل و کافی از وضعیت خانواده ها، و اخلاق و رفتار فرد مورد نظر دست به انتخاب زد. بلوغ فکری همسر، صداقت همراه با احترام، خصوصیات اخلاقی متناسب، تلاش جهت حل مشکلات همدیگر در سایه همفکری، تناسب و تفاهم از نکات غیر قابل انکار در معیارهای اساسی انتخاب همسر شمرده می شود.